

تدوینگر: اگر روزی به سر تان زد که یک تدوینگر موفق شوید، بدانید که: به کسی که مسئول سر هم کردن فیلم به صورت نهایی آن است تدوینگر گفته می‌شود. تدوینگر در شکست یا موفقیت فیلم، نقش اساسی را به عهده دارد. او با انتخاب، شکل دهی و مرتب کردن نماها و در آمیختن صداها و همگام کردن آن با تصویرها، به فیلم شکل و ریتم می‌دهد.

فیلم حاصل یک کار گروهی است

ارغوان غلامی

سامان حسین پور اهل کردستان است. او امسال با «فیلم یک سفره نان و شب‌نم» در جشنواره رشد شرکت کرد. این فیلم داستان شاگرد زرنگی است که برای حفظ آبرو امتحان‌هایش را خراب می‌کند. او دانشجوی تازه وارد رشته گرافیک است، اما در دوران دانش‌آموزی‌اش همه کاری کرده است از داستان‌نویسی و عکاسی تا بازی در تئاتر.

این جور مسائل نباشید، من خودم اگر جای الان آنها بودم حتی این مصاحبه را تا پایان نمی‌خواندم و می‌رفتم که دوربین دوست یا اقوامم را قرض بگیرم.

■ پس با این حرف‌ها، در ادامه دادن فیلم‌سازی جدی هستی؟

بله قاعدتاً این کار من شده و دیگر جزئی از زندگی من است. من اوقات فراغتم را عکاسی می‌کنم و در برنامه‌ام هم پروژه‌های حرفه‌ای ساخت فیلم دارم. همین الان که با شما مصاحبه می‌کنم در حال پیش‌تولید فیلم کوتاهی هستم با موضوع خطراتی که یکی از دریاچه‌های کردستان را تهدید می‌کند.

■ در ساختن فیلم‌هایت گروهی کار می‌کنی یا فردی؟

کارم را فردی شروع کردم، اما همان موقع هم دوستانم در ساخت فیلم کمک کردند. الان اما دیگر رسماً گروهی کار می‌کنیم، گروهی داریم به اسم «رگا فیلم» و می‌توانم بگویم ساخته‌های این گروه تا الان حدود ۲۵ جایزه داخلی و خارجی گرفته.

■ رگا مخفف کلمه‌ای است؟

رگا یک کلمه کردی است. ترجمه‌اش به فارسی می‌شود راه.

■ تو بیشتر در گروه چه کاری را انجام می‌دهی؟

من بیشتر تدوین می‌کنم. تدوین کردن را دوست دارم. البته مدتی هست به تصویر برداری علاقه زیادی پیدا کرده‌ام

داستان، رمان و ... نوشته یک نفر خاص است.

■ چطور شروع کردی؟

سال ۸۶ با یک دوربین دستی و چند خط داستان. البته دوربین هم برای دایمی‌ام بود. با خواهش و خلاف میلش از او می‌گرفتم و با دوست‌هایم چیزی را که دوست داشتیم می‌ساختیم. می‌دانید، به نظر من بچه‌هایی که می‌خواهند فیلم بسازند، یا حتی دوست دارند که بسازند، نباید نگران کمبود امکانات باشند. من می‌گویم همین که شما با کمترین امکانات شروع کردید، آرام آرام مسیرهای دیگری را پیدا می‌کنید. دوست دارم به بچه‌ها بگویم که نگران

■ چطور شد که سراغ فیلم‌سازی رفتی؟

من از دبستان و راهنمایی داستان می‌نوشتم. بعدها در کلاس‌هایی که کانون پرورش فکری گذاشته بود شرکت کردم. اما همیشه دوست داشتم داستان‌هایم را فیلم کنم.

■ به نظرت چه فرقی بین نوشتن و فیلم ساختن است؟

نوشتن و فیلم‌ساختن تفاوت‌های زیادی دارند. همه نوشتن از تخیل می‌آید و اینکه فقط یک نفر هست که می‌نویسد؛ اما برای فیلم ساختن، شما به یک گروه نیاز دارید. فیلم برای یک نفر نیست. فیلم حاصل یک کار گروهی است. ولی

سینموفتوگراف

مهدی روسی‌خان را دست کم نگیرید، او که پدرش انگلیسی و مادرش از قوم تاتار روس بود، در راه انداختن چیزی که ما امروز به نام سینما می‌شناسیم سهم به‌سزایی داشت. می‌پرسید چرا؟ باید بگویم چون خوب بزن بهادر و قلچماق بود برای خودش، آن زمان! روسی‌خان کارش را با عکاسی شروع کرد و بعد که کارش رونق بیشتری گرفت

روسی‌خان فردی مستبد بود و روس‌های مستقر در ایران هم از او پشتیبانی می‌کردند؛ به همین دلیل توانست به رغم مخالفت‌هایی که با سینما می‌شد، به کارش ادامه دهد. در همین موقع اتفاق عجیبی افتاد، سالن سینمای روسی‌خان را یک شب مشروطه‌خواهان مسلح به دست گرفتند و در آن فیلم دیدند، شب دیگر نوبت قزاق‌های روس بود که آنجا را به تصرف درآورند. سال‌ها بعد روسی‌خان به فرانسه رفت و آنجا به دور از سالن سینمایش درگذشت.

زرنگی کرد و با خرید یک دستگاه پروژکتور فیلم‌های هشت نه دقیقه‌ای نمایش داد. او پس از خرید این دستگاه خیلی خیلی زرنگی کرد و تصمیم گرفت که این فیلم‌ها را در حرم‌سرای محمدعلی شاه به اکران درآورد، تا با یک تیر دو نشان بزند! یک سال بعد، پس از نمایش این فیلم‌ها در حرم‌سرا، او در خیابان علاءالدوله (فردوسی) یک سالن سینما برپا کرد که با فیلمی از جنگ روسیه و ژاپن افتتاح شد.

جنبش‌های سینمایی

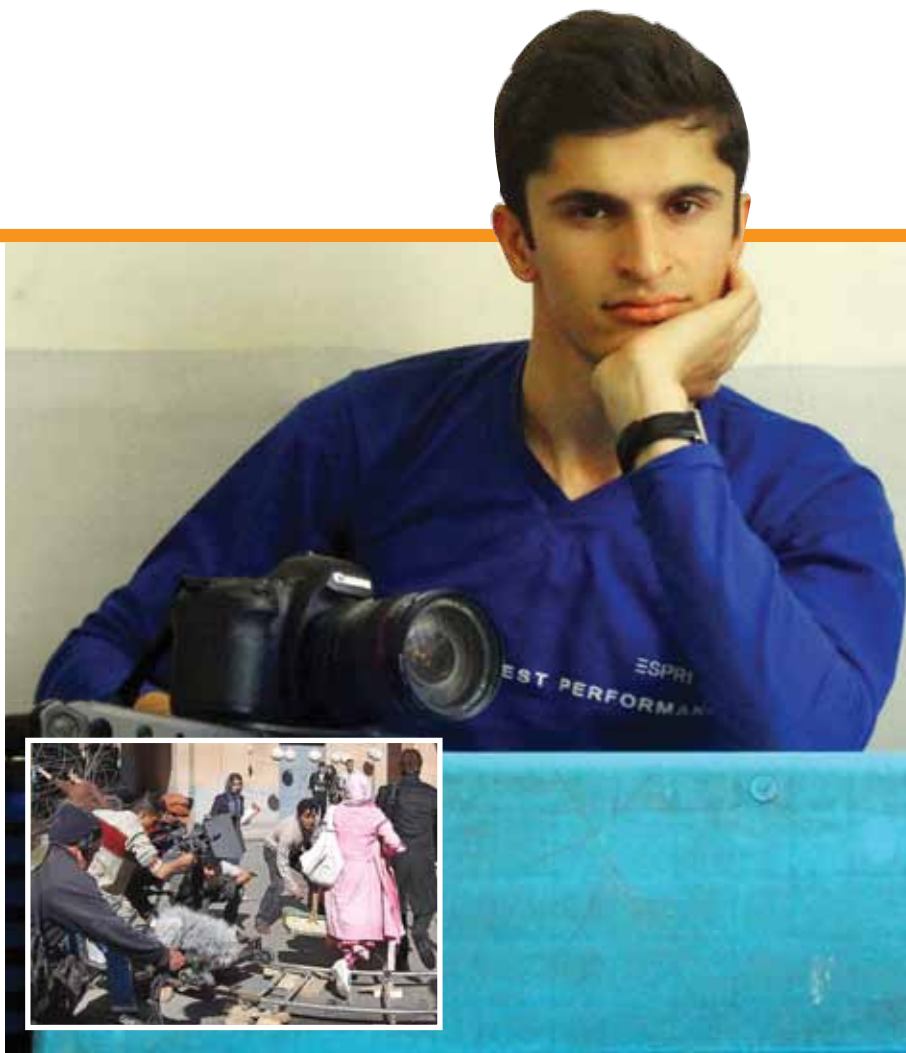
نئورئالیسم

پس از جنگ جهانی دوم، ایتالیا تقریباً صنعت سینمای خود را از دست داده بود و از لحاظ اقتصادی به کلی فلج شده بود. چزاره زوانتینی در سال ۱۹۴۲ نوع جدیدی از سینما را پدید آورد که در آن از بازیگران غیر حرفه‌ای استفاده می‌نمود و برای ارتباط مستقیم با واقعیت‌های اجتماعی دوربین و تجهیزاتش را به خیابان‌ها می‌برد. این جنبش با ساخت فیلم «رم شهر بی دفاع» از روسیلینی کار خود را آغاز نمود و در ادامه چهره‌های بیشتری را به خود جذب کرد. فیلم‌سازان پیشروی جنبش «نئورئالیسم» ایتالیا، سعی داشتند هر چه بیشتر به واقعیت چه در روایت و چه فرم نزدیک شوند. این سبک در واقع به سینمای فقرزده و بدبینانه تعلق داشت که به شدت از شرایط پس از جنگ رنج می‌برد. با تغییر اوضاع و بهبود شرایط اقتصادی، این جنبش به مرور زمان رو به افول گذاشت و در میانه سال‌های دهه پنجاه، کم‌کم از میان رفت، اما تاثیر گسترده‌ای بر سینمای جهان گذاشت.



دزد دوچرخه

روبرتو روسیلینی، ویتوریو دسیکا و لوکینو ویسکونتی از فیلم‌سازان برتر این جنبش سینمایی هستند و فیلم‌هایی مانند «رم شهر بی دفاع»، «آلمان»، «آلمان سال صفر»، «زمین می‌لرزد» و «دزد دوچرخه» نمونه‌هایی از این جنبش سینمایی هستند.



مردم مهربان و هنر دوست هستند. به تازگی هم به همت حوزه هنری، سینما بهمن که یکی از بهترین سینماهای کشور است تاسیس شده است. مردم خودشان هم در برنامه‌های این سینما همکاری زیادی می‌کنند. همان‌طور که رهبر هم در سفر به این استان، کردستان را مهد فرهنگ و هنر نامیدند.

و قصد دارم در آینده کاملاً روی این تخصص زوم کنم.

■ راجع به همشهری‌هایت بگو. از روحیاتشان. از اینکه چقدر هنر در کردستان طرفدار دارد؟

من قبل‌تر در کامپاران بودم و حالا به سندنج آمده‌ام و اینجا زندگی می‌کنم. واقعاً فضای خیلی خوبی است.

دیالوگ ماه

هاردی: فردا دم آفتاب اعداممون می‌کنن.

لورل: کاش فردا هوا ابری باشه!



اعلان

سرکار روسی‌خان، عکاس معروف به تازگی در اول خیابان علاءالدوله (روبه‌روی خانه امیرنظام) عکاس‌خانه به طرز فرنگستان دائر کرده و اقسام عکس‌های ممتاز در آنجا گرفته می‌شود*

* روزنامه صور اسرافیل، شماره ۲۲۱۲، فروردین ماه سال ۱۲۷۷، مطابق با ۵ سپتامبر ۱۹۰۷، صفحه ۸